

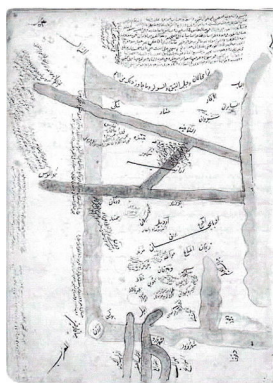


ایران در دوران معاصر

آذربایجان پس از اسلام

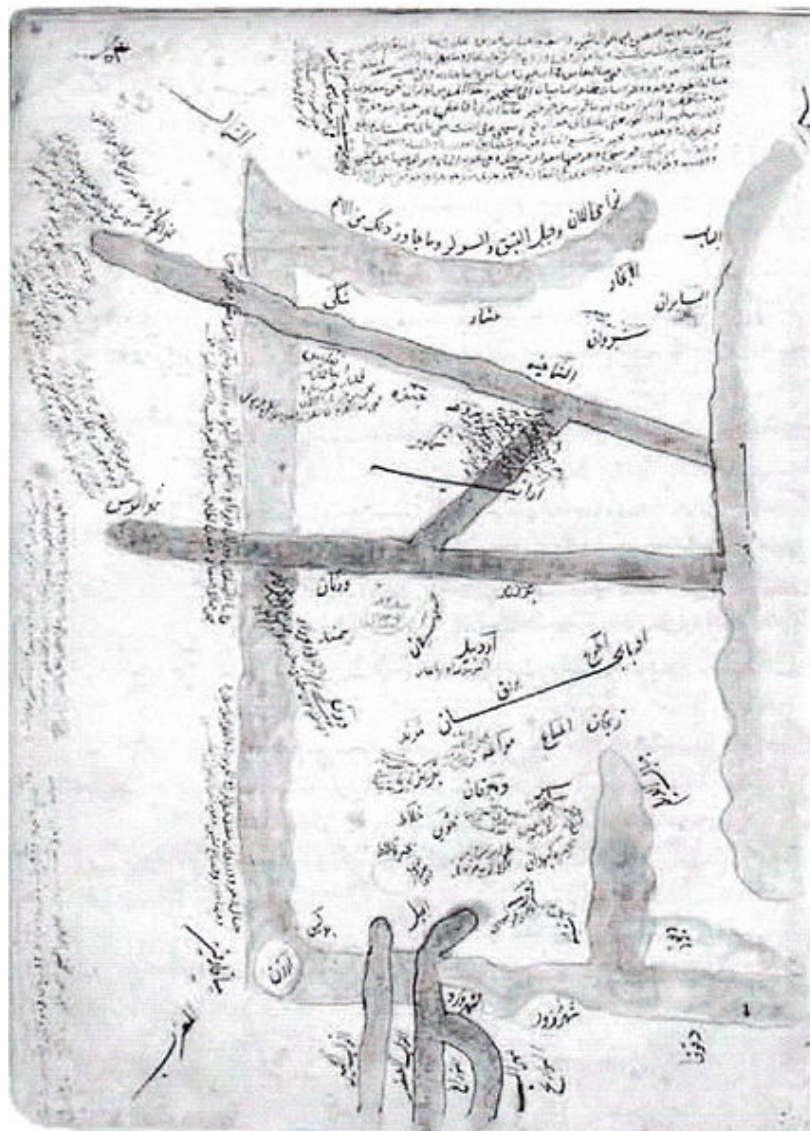
نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۲ اسفند ۱۳۹۳ | ۱۲ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

نقشه آذربایجان و آران و ارمنستان. آران در شمال رود ارس و جنوب رود کورا قرار دارد. ابن حوقل (تصویر را بفشارید) در زمان حمله اعراب در مدارک رومی و ارمنی نام سپهبد و شاهزاده آذربایجان «رستم پسر فرخ هرمز» آورده شده که البته با توجه به متن شاهنامه در بخش نامه رستم فرخزاد به برادرش به نظر می‌رسد درست باشد: چو نامه بخوانی تو با مهتران برانداز و برساز لشکر بران همی تاز تا آذربادگان دیار بزرگان و آزادگان همیدون گله هرچه داری ز اسب ببر سوی گنجور آذرگشسب ساسانیان پی‌درپی از اعراب شکست خوردند و در سال ۶۲



نقشه آذربایجان و آران و ارمنستان. آران در شمال رود ارس و جنوب رود کورا قرار دارد. ابن حوقل (تصویر را بفشارید)

در زمان حمله اعراب در مدارک رومی و ارمنی نام سپهبد و شاهزاده آذربایجان «رستم پسر فرخ هرمز» آورده شده که البته با توجه به متن شاهنامه در بخش نامه رستم فرخزاد به برادرش به نظر می‌رسد درست باشد:

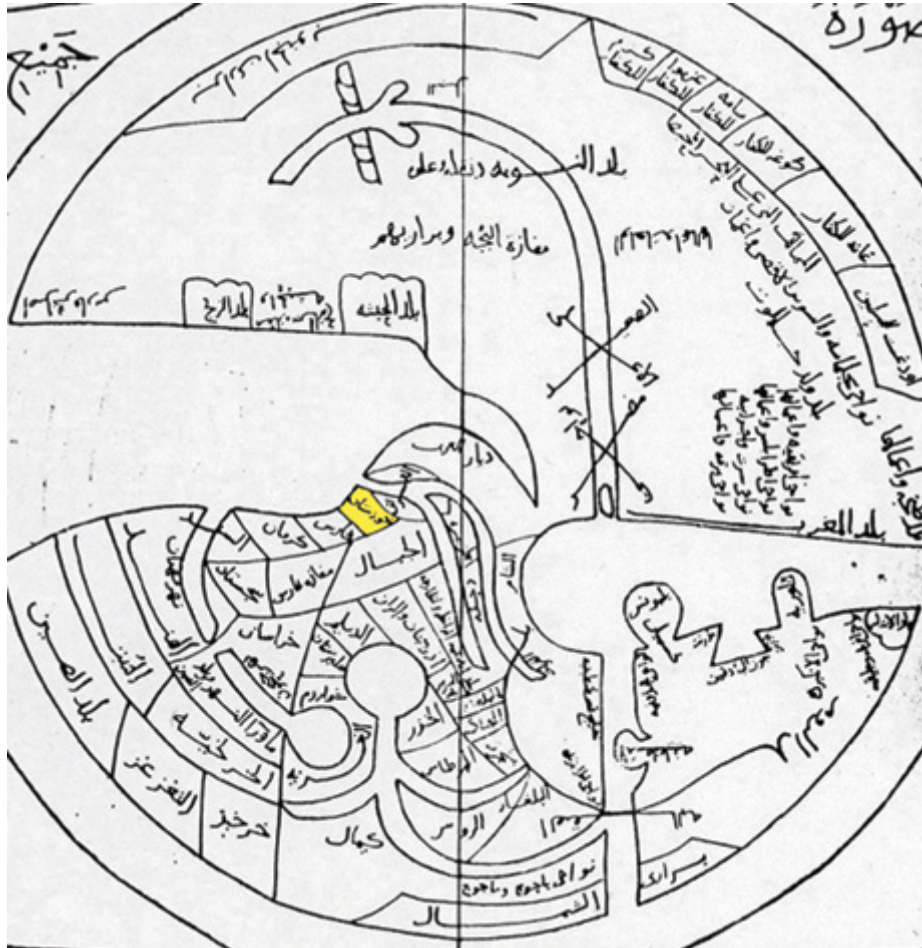
چو نامه بخوانی تو با مهتران برانداز و بر ساز لشکر بران

همی تاز تا آذرآبادگان دیار بزرگان و آزادگان

همیدون گله هرچه داری ز اسب ببر سوی گنجور آذرگشسب

ساسانیان پی‌درپی از اعراب شکست خوردند و در سال ۶۲۲ میلادی در نهاوند (دروازه ماد آتورپات) پیروزان-سردار ایرانی- بار دیگر با عرب‌ها مقابل شد. جنگی سخت رخ داد و ایرانیان شکست خوردند. آنگاه آذربایجان در برابر حمله اعراب بی دفاع گشت و اثری از لشکر شاهنشاهی باقی نماند.

اعراب به آذربایجان نیز همانند دیگر نقاط ایران سرازیر شدند. به نظر می‌رسد در سده‌های یکم و دوم هجری تعدادشان در آذربایجان زیاد بوده‌است. کسروی این امر را به دو دلیل دانسته‌است؛ یکی این‌که مردمان آذربایجان بسیار پایداری کردند؛ به گونه‌ای که مسلمانان آذربایجان را به عنوان الاراضی المفتوحة عنوه (سرزمین‌های به زور گرفته شده) می‌شمردند که در فقه حکم خاص دارد و دوم سرسبزی این ایالت. از میان عشیره‌های عرب که در سده‌های یکم و دوم هجری به آذربایجان وارد شدند، «بنوت‌غلب»، «یمانیان» و حمدانیان ثبت شده‌است.



نقشه جهان ترسیم شده در قرن دهم توسط ابن حوقل. در این نقشه آذربایجان و اران در یک منطقه نشان داده شده‌است.

آذربایجان در سده‌های ابتدایی ورود اسلام به ایران از کانون‌های عمده مقاومت و شورش ایرانیان در برابر اعراب و عمال خلیفه بود و مردمانش همه‌گاه در حال زد و خورد با آنان بودند. معروف‌ترین این قیام‌ها «قیام خرمدینان» در حدود آذربایجان و جبال است. بنیانگذار این قیام «جاوید بن سهل» بود که سپس توسط بابک خرمدین به اوج رسید. ازدواج بابک با دختر «واساک» -یکی از شاهزادگان ارمنی- اتحاد عظیمی را در شمال بر ضد خلافت عباسیان ایجاد کرد. خرمدینان مدت طولانی توانستند در مقابل خلیفه و سرداران عرب مقاومت کنند و چهاربار سپاه بزرگ خلیفه را مغلوب کردند.

ورود قبایل ترک

حدود آذربایجان در دوران خلافت عباسیان؛ برگرفته از کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. در سده‌های نخستین اسلامی ترکان ماورای قفقاز -که ایرانی‌ها به آن‌ها خزر می‌گفتند- مجدداً تلاش‌های خود را برای ورود به درون اران و آذربایجان از سرگرفتند و چندین تلاش آن‌ها توسط سپاهیان خلافت عربی عقب رانده شد. در سال ۱۷۸ خورشیدی یک جمع بزرگ از خزرها از گذرگاه‌های قفقاز به درون اران سرازیر شده و دست به تخریب و کشتار زدند. هارون الرشید «خازم بن خزیمه» را به منطقه فرستاد و او آن‌ها را بیرون راند و دربندهای کوهستانی قفقاز را بازسازی کرد. البته این حمله‌ها را ناشی از تحریکات امپراتوری روم شرقی در جهت ایجاد دردسر برای خلیفه در مرزهای شمالی کشورش هم می‌دانند و آن را با تلاش‌های رومی‌ها برای بازپس‌گیری ارمنستان و بخش‌هایی از آناتولی که در اشغال عرب‌های مسلمان بوده، ارتباط می‌دهند.

نوشته تاریخ‌نویسان سده‌های چهارم و پنجم هجری مانند ابوالفضل بیهقی و ابن اثیر نشان می‌دهد که ترکان غز در اواخر سده چهارم هجری در آذربایجان بوده‌اند. سلطان محمود غزنوی این گروه از ترکان را -که در ابتدا هواداری او را می‌کردند- از آن‌سوی سیحون به خراسان آورده بود؛ ولی بعدها سر به شورش و نافرمانی گذاشتند. گردیزی می‌نویسد: «ارسلان به سلطان گفت: این خطا بود که کردی. اکنون که آوردی همه رابکش و یا به من ده، انگشت‌های نر ایشان را ببرم تا تیر نتوانند انداخت.» به هر روی ایشان از خراسان رانده شدند و پس از چند سال آوردگی در ایران و زدوخوردهای فراوان در نواحی دیگر به آذربایجان رسیدند.

«چامچیان» -تاریخ‌نگار ارمنی- درباره جنگی که بین ایلات غز و شهریاران محلی آذربایجان (واسپورگان) در سال‌های ۴۱۱ و ۴۱۲ هجری در گرفته، می‌نویسد: «در این سال ترکان که همچون سیل به آذربایگان رسیده بودند، روی به نواحی ارمنستان آورده به واسپورگان درآمدند؛ دست به تاراج و تالان بگشاده، بسیار جاها پایمال ساختند.» همچنین محمدجواد مشکور درباره آمدن قبایل ترک به آذربایجان چنین می‌نویسد: «حوادث متناوب یکی بعد از دیگری آذربایجان را آماج تهاجمات پیاپی قرار داد. بعد از سلجوقیان، دور سلسله‌جنبانی ترکان آتابای یا اتابکان آغاز و با نفوذ این اقوام و گسترش زبان ترکی، سیطره زبان آذری محدود و رفته‌رفته رو به کاهش نهاد.»

در زمان سلجوقیان ترک‌های بیش‌تری به آذربایجان روی آورده‌اند. با ادامه تسلط ترکان در دوران اتابکان، باز هم عده ترک‌ها در آن سرزمین فزونی یافت و زبان ترکی رونق بیش‌تری گرفت. همچنین حکومت ترکمانان آق‌قویونلو و قراقویونلو و اسکان آن‌ها در آذربایجان، بیش از پیش موجب رونق زبان ترکی و تضعیف زبان آذری گردید. جنگ‌ها و عصبانیهایی که در فاصله برافتادن و برخاستن صفویان پیش آمد، سربازان ترک بیش‌تری را به آذربایجان سرازیر کرد. وجود قزلباش‌های ترک نیز مزید بر علت شده و زبان ترکی را در آن سرزمین رونق بخشید.

نفوذ بر اران

به گفته عنایت‌الله رضا، اران بعد از دوره حمله مغول گاه تحت فرمان شروانشاهان و گاه تحت نفوذ فرمانروایان آذربایجان بود. این در حالی است که ریچارد فرای می‌گوید اران بعد از هجوم مغول، همواره تحت فرمان حکمرانان آذربایجان بوده‌است.

محدوده آذربایجان در گذر زمان

استرابو جغرافی‌نگار یونانی در دفتر یازدهم جغرافی از آلبانیا (اران و شروان اسلامی)، آتورپاتکان و ارمنستان

نام می‌برد و می‌گوید که رود ارس از مرز آتورپاتکان در جنوب و ارمنستان در شمال می‌گذرد. در تاریخ پلینی نیز حدود آتورپاتکان تا رود است و رود ارس از میان ارمنستان کبیر با آتورپاتکان عبور می‌کند. در زمان ساسانیان، آذربایجان به شکل باستانی آتورپاتکان خوانده شده‌است. در کتیبه شاپور، این منطقه یکی از استان‌های ایران‌شهر و در کنار ارمنستان، ایبریا (گرجستان امروزی)، آلبانیا (اران و شروان) و بلاشکان حساب شده‌است.

ابن فقیه همدانی در کتاب «البلدان» در سده سوم هجری، حدود آذربایجان را این‌گونه شرح می‌دهد: «آذربایجان از یک‌سو رود ارس و از سوی دیگر مرز زنجان و حدود دیلمستان و طارم و گیلان را شامل می‌شود». ابن رسته نیز در کتاب «اعلاق‌النفیسه» و در همین سده، حدود آذربایجان را این‌چنین نوشته‌است: «اردبیل، مرند، باخروان، ورثان و مراغه». اصطخری دیگر جغرافی‌دان سده سوم هجری در کتاب المسالک و الممالک ذیل فصلی تحت عنوان «ذکر ارمنیه و اران و آذربایجان» از شهرهای آذربایجان چنین یاد کرده‌است: «اردویل، مراغه، اورمیه، میانه و خونه، بروانان، دیرخان، سلماس، نشوی، مرند، برزند، ورثان، موقان، جابروان و واشنه». به نوشته وی: «حدود آذربایجان از تارم تا حدود زنگان تا دینور تا حلوان تا شهرزور تا دجله و به حدود ارمنیه بازگردد».

ابن حوقل در کتاب «صورها الارض» در سده چهارم هجری، شهرهای مراغه، تبریز، ارومیه، خوی، سلماس، برکری، اردبیل، داخرقان، اشنه، میانج، مرند و برزند را جزء شهرهای مهم آذربایجان ذکر کرده‌است. در کتاب حدود العالم نیز - که تألیف همین سده‌است - مناطق اران، ارمنستان و آذربایجان جدا از هم ذکر شده‌اند. [۳۷] محمد مقدسی - دیگر جغرافی‌دان سده چهارم هجری - در حالی که بین مناطق اران، ارمنستان و آذربایجان تفاوت قائل می‌شود، سلماس، ارومیه، مراغه و خوی را جزء ارمنستان شمرده و رسبه، تبریز، جابروان، خونج، میانج، سراه، بروی، ورثان، موقان، میمذ و برزند را جزء شهرهای آذربایجان ذکر کرده‌است.

زکریای قزوینی در سده هفتم هجری و در کتاب «آثار البلاد و اخبار العباد»، آذربایجان را سرزمینی پهناور بین اران و کوهستان می‌داند و می‌گوید شهرها، روستاها، کوه‌ها و رودخانه‌ها در آن سرزمین بسیار است. حمدالله مستوفی نیز در همین سده از ۹ تومان بلادی آذربایجان در دوران ایلخانان این‌گونه یاد می‌کند: «بلاد آذربایجان ۹ تومان است، بیست و هفت شهر دارد در بیشتر مناطق این مملکت هوا سرد و در بعضی مناطق ملایم است، حدودش با ایالت عراق عجم، موغان، گرجستان، ارمن و کردستان پیوسته، طولش از باکو تا خلخال ۹۵ فرسخ، عرضش از بجروان تا سیپان ۵۵ فرسخ می‌باشد. یکم تومان تبریز (شامل تبریز، اوجان و طسوج)، دوم تومان اردبیل (شامل اردبیل و خلخال)، سوم تومان پیشگین (شامل پیشگین، خیاو اوندان، ارجاق، اهر، تکلفه و کلئبر)، چهارم تومان خوی (شامل خوی، سلماس، ارومیه و اشنویه)، پنجم تومان مراغه (شامل مراغه، دهخوارقان و نیلان)، هفتم تومان مرند (شامل مرند، دزمار، زنگیان، ریوز و گرکر)، هشتم تومان نخجوان (شامل نخجوان، اردوباد، آزاد و ماکویه)». در کتاب بستان‌السیاحه نوشته زین‌العابدین شیروانی حدود آذربایجان چنین آمده‌است: "... محدود است از طرف شمال به ولایت موغان و شیروان و جبال البرز و از سمت جنوب به عراق عجم و کردستان و از جانب مشرق به دیار خلخال و گیلان و طالش و دیلم و از جانب مغرب به بلاد ارمن و گرجستان".

در ترجمه فارسی کتاب یاقوت حموی (سده هفتم هجری) چنین آمده‌است: «حدود آذربایجان از بردعه تا مشرق تا از زنجان در مغرب و از سمت شمال به سرزمین‌های دیلم، جیل (گیلان) و طرم (طارم) است. و او (آذربایجان) اقلیم

بزرگ و وسیعی است و از شهرهای مشهورش تبریز امروزه مرکز و بزرگترین شهر آذربایجان است و قبلاً مرکز آن مراغه بود و از شهرهایش خوی، سلماس، ارومیه، اردبیل، مرند و غیره است.» محمدجواد مشکور باور دارد یاقوت در مورد تعیین حدود آذربایجان دچار اشتباه شده و عبارت وی را چنین تصحیح کرده است: «حد آذربایجان از شمال بردعه از شرق بلاد، دیلم و گیلان و از مغرب از زنجان از جنوب بلاد طارم و زنجان است.» برپایه این گفته یاقوت، بخشی از اران تا بردع نیز جزو آذربایجان بوده است؛ ولی در کتاب دیگر خود «گزیده مشترک» رود ارس را مرز میان آذربایجان و اران دانسته است.

گاهی زنجان را نیز به عنوان بخشی از آذربایجان به حساب می آورند. حسین آلیاری برپایه نوشته جغرافی دانان و گردشگران اسلامی، حدود آذربایجان را این طور می نویسد: «تبریز، اردبیل، مراغه، خنج، ورثان، سیر، میانج، برزه، ارومیه، جابروان، خوی، مرند، گل سره، جابروان، برزند، سلماس، شیز، سلق، نریز، سدابا، سابرخاست، سراو، ماینهرج، بذ، میمد، نیر و زنجان.»

منابع: م. چامچیان، تاریخ ارمنیان، کتاب ۳، ونیز ۱۷۸۶. (نظری به تاریخ آذربایجان، ج ۱، تهران ۱۳۳۹، ص ۱۵۲) شاو، استانفوردجی. تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید (سه جلد)، ترجمه محمد رمضان زاده، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰. رضا، عنایت الله، دائره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۷، «اران»، چاپ اول: ۱۳۷۵، تهران، صص ۴۲۱ تا ۴۲۴ استرابو، کتاب جغرافی، دفتر یازهم البلدان نوشته ابن فقیه ابوبکر احمد بن اسحاق همدانی ترجمه مختصر حسن مسعودی از البلدان از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، سال ۱۳۴۹ هجری خورشیدی، در صفحات ۱۲۸ و ۱۳۰ ابن رسته، اطلاق الانفیس، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۲۲۱۲۲ ابواسحق ابراهیم، اصطخری، المسالك و الممالك، به اهتمام ایرج افشار، تهران علی و فرهنگی، ۱۳۶۸، صص ۱۵۵ و نیز و. ک به: ابوالفدا تقویم البدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، هر یک از این سه اقلیم، اقلیم بزرگی است که به سبب تداخل در یکدیگر، ارباب فن هر سه را در ذکر و تصویر به یکجا آورده اند > ص ۴۴۲. محمد، ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صوره الارض)، ترجمه و توضیح جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۸۱ المقدسی (اصل عربی) ذکریا قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هژار) تهران، موسسه علمی اندیشه جوان، ۱۳۶۶، ص ۶۵ نزهت القلوب حمدالله مستوفی ص ۷۵ ناشر: دنیای کتاب، تاریخ نشر سال ۱۳۶۲ به اهتمام گای لیسترنج / آذربایجان در سیر تاریخ ایران ص ۷۷- رحیم رئیس نیا حمدالله مستوفی، نزهت القلوب، به تصحیح گای لیسترنج، تهران دنیای کتاب، ۱۳۶۳، صص ۷۵ الی ۸۹ آذربایجان در موج خیز تاریخ، مقدمه کاوه بیات، نشر شیرازه سال ۱۳۷۹ ص ۱۰۶ و ۱۰۷ (زیر نویس)، کتاب "بستان السیاحه زین العابدین شیروانی، تهران، بی تا، انتشارات کتابخانه سنایی ص ۳۲ متن عربی گفته یاقوت چنین است: «حد اذربيجان من بردعه مشرقاً الی ارزنجان مغرباً، يتصل و حدها من جهة الشمال ببلاد الديلم، و الطرم و هو اقليم واسع و من مشهور مدائنھا: تبریز، و هی الیوم قصبتها و اکبر مدنها و کانت قصبتها قديماً المراغه و من مدنها خوی و سلماس، و ارمیه، و اردبیل و مرند و غیر ذلک» ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله، یاقوت حموی، معجم البدان، ج ۱، (بیروت، دارصادر، ۱۹۵۵ م). ص ۱۲۸. محمد جواد مشکور، جغرافیایی تاریخی ایران باستان، تهران، دنیای

Minorsky, V. ; Minorsky, V. "Ādharbaydjān (Azarbāydjān)." Encyclopaedia of Islam. Edited by: P.Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel and W.P. Heinrichs. Brill, 2007. Brill Online. <http://www.encylam.b Brill.nl/subscriber/entry?entry=islam_COM-0016>

R. N. FRYE, Encyclopedia of islam , volume 1 , "ARRAN" ,ISBN 90-04-08114-3, page 660-661

Encyclopedia Britannica, Encyclopædia Britannica. 2007. Encyclopædia Britannica Online. 4 May 2007 <<http://www.britannica.com/eb/article-32148>>:The list of provinces given in the inscription of Ka'be-ye Zardusht defines the extent of the empire under Shapur, in clockwise geographic enumeration: (1) Persis (Fars), (2) Parthia, (3) Susiana (Khuzestan), (4) Maishan (Mesene), (5) Asuristan (southern Mesopotamia), (6) Adiabene, (7) Arabistan (northern Mesopotamia), (8) Atropatene (Azerbaijan), (9) Armenia, (10) Iberia (Georgia), (11) Machelonia, (12) Albania (eastern Caucasus), (13) Balasagan up to the Caucasus Mountains and the Gate of Albania (also known as Gate of the Alans), (14) Patishkhwar (all of the Elburz Mountains), (15) Media, (16) Hyrcania (Gorgan), (17) Margiana (Merv), (18) Aria, (19) Abarshahr, (20) Carmania (Kerman), (21) Sakastan (Sistan), (22) Turan, (23) Mokran (Makran), (24) Paratan (Paradene), (25) India (probably restricted to the Indus River delta area), (26) Kushanshahr, until as far as Peshawar and until Kashgar and (the borders of) Sogdiana and Tashkent, and (27), on the farther side of the sea, Mazun (Oman)

Hudud al-Alam ("the regions of the world"): a Persian geography, 372 A.H. -982 A.D. , translated and explained by V. Minorsky; with the preface by V.V. Barthold. Karachi: Indus Publications, 1980. pg 77 Another river, called Aras, rises on the eastern side of the Armenian mountains, from a place adjoining the Rum. Taking the eastern direction it flows on until, having skirted Vartan and followed the frontier between Adharbadhagan, Armenia, and Arran, it joins the Khazar sea

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «آذربایجان پس از اسلام»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1613/pdf/آذربایجان-پس-از-اسلام.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵